

## گفت‌وگو با آقای رزاق آذری پیش‌کسوت فرهنگی



اشاره :

پیش از این مقاله‌ای از جناب آقای رزاق آذری در معرفی شخصیت‌های علمی‌نهاد به اطلاع خوانندگان گرامی رسید (فرهنگان شماره ۱۷، احمدبن محمدنهادندی، از پیشگامان نهضت علمی اسلامی در ایران) در این شماره نیز، ضمن درج گفت‌وگوهایی که گروه مصاحبه با ایشان داشته، پژوهش مختصر اما با ارزش دیگری را از ایشان با عنوان «روزشمار صدسال خورشیدی در ایران» به آگاهی می‌رسانیم. با تشکر از جناب آقای آذری در انتظار پژوهش‌های علمی دیگر ایشان هستیم.

### لطفاً خود را برای خوانندگان فرهنگان معرفی کنید.

متولد تیرماه سال ۱۳۱۲ در نهاوند هستم. مدرک دوره‌ی شش‌ساله‌ی ابتدایی و سیکل اول متوسطه را در زادگاه خود و دیپلم ریاضی را در همدان کسب نموده‌ام. پس از آن در شعبه‌ی ریاضی دانشکده‌ی علوم دانشگاه تهران که مورد علاقه‌ام بود پذیرفته شدم. در خردادماه سال ۱۳۳۷ در رشته‌ی مکانیک سماوی موفق به اخذ لیسانس گردیدم. شهریور همان سال به‌عنوان دبیر ریاضی در وزارت فرهنگ استخدام شدم و به نهاوند رفتم. از ابتدای مهرماه (۱۳۳۷) و تا پایان سال تحصیلی ۱۳۶۴ یعنی به مدت ۲۸ سال در دبیرستان‌های آن شهر خدمت کردم.

تابستان سال ۶۵ بنا به تقاضای خود به تهران منتقل گردیدم و تا سال تحصیلی ۱۳۸۰ در دبیرستان‌های «ارشاد» و «فلسفی» و دبیرستان غیرانتفاعی «کوثر» تدریس نمودم و در تابستان سال ۸۰ به دنبال عارضه‌ی کسالت از تدریس خودداری کردم و از آن سال تاکنون بیش‌تر اوقات خود را در صورت مساعد بودن وضع حال به مطالعه می‌گذرانم.

لازم می‌دانم با اخلاص تمام عرض کنم از راهی که در زندگی انتخاب نمودم و با صداقت چهل و چهار سال آن را ادامه دادم راضی هستم و خدای را از چنین توفیق خدمت سپاس‌گزارم و به وجود همه‌ی زنان و مردان با فضیلتی که اکنون هر یک در جایگاهی ارزشمند در خدمت مردم هستند و من در ارتقای سطح دانش آن‌ها سهم و

تأثیر ناچیزی داشته‌ام سرافراز و خوشحالم و برای همگی سلامتی و توفیق هرچه بیش‌تر آرزو می‌کنم.

همسرم تحصیلات دبیرستانی دارد و خانه‌دار است. دو دختر دارم. اولی تا سال ۶۰ دانشجوی بود که به دنبال تعطیل شدن دانشگاه‌ها ازدواج نمود. دومی متخصص روان‌پزشکی و مشغول خدمت است.

لطفاً از دبستانی که در آن تحصیل کرده‌اید و پیشینه‌ی آن بفرمایید.

دوره‌ی شش‌ساله‌ی ابتدایی را در «دبستان بدر» نهاوند گذراندم. این مدرسه در کوچه‌ای واقع بود که از میدان دوم پای‌قلعه (پاقله) شروع و به محلی به نام گوشه‌ی سرتل که آب‌انباری در آن‌جا وجود داشت منتهی می‌شد و مالک ساختمان مدرسه، «خیابان باشی» معروف بود.

سابقه‌ی این دبستان را به روایت از برادرم آقای قاسم آذری که در سال ۱۳۰۶ تصدیق شش‌ساله‌ی ابتدایی را دریافت نموده<sup>۱</sup> و بحمدالله هنوز از هوش و بصیرت کافی برخوردار هستند نقل می‌کنم. نام مدرسه در آغاز تأسیس (مدرسه‌ی علمی و انتظامی نهاوند) و مکان آن واقع در محله‌ی «چشمه‌دعوه‌ای» بود و سه کلاس داشت. بعد از آن شش کلاسه شد و به اسم «مدرسه‌ی دولتی نهاوند» تغییر نام یافت.

۱ - این تصدیق‌نامه‌ی رسمی به مهر و امضای وزارت معارف و اوقاف دولت علیّه‌ی ایران رسیده است.

مدیریت آن را اسدالله دبیران که احتمالاً ملایری بود، به عهده داشت. معلمین مدرسه عبارت بودند از میرزا عزیزالله (برادر مرحوم عبادالله مهران) که حساب و هندسه تدریس می نمود، میرزا ماشاءالله فرزند ملا محمد صادق کتاب فروش که درس املا و انشا را تعلیم می داد و بعدها نام فامیلی «مقیمی» را برای خود برگزید. از رؤسای معارف آن زمان نهاوند یکی احمد آقا نهاوندی برادر آقا شیخ جلال نهاوندی و دیگری میرزا ابوالقاسم خان سحاب از اهالی تفرش بود<sup>۲</sup>، که در آن مدرسه هم تدریس می کردند.

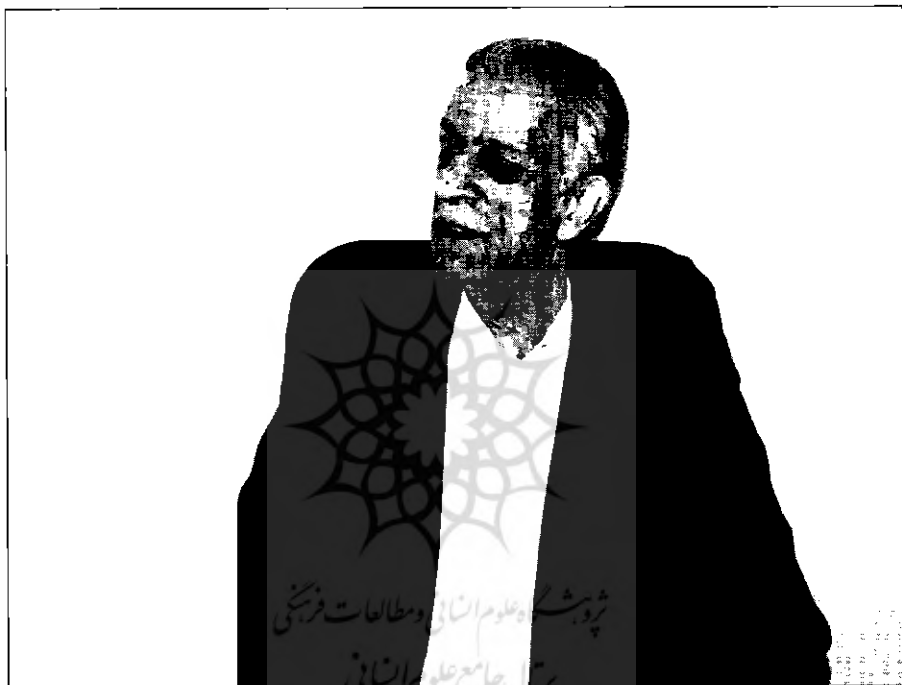
این مدرسه در زمان وزارت میرزا محمودخان بدر در سال ۱۳۰۵ ش در کابینه‌ی مُستوفی الممالک از مدرسه‌ی دولتی نهاوند به مدرسه‌ی بدر تغییر نام یافته است. محل مدرسه‌ی بدر در سال ۱۳۱۷ در مالکیت مرحوم آقا عبدالله ذکایی بوده که در وقوع سیل مهیب شهریور آن سال ویران می گردد. بعد از آن واقعه، مدرسه به بخش مرتفع شهر که منزل «خجازباشی» در آن واقع بود و در مقدمه به آن اشاره گردید، نقل مکان می یابد.

**چه روشی باید معلم اتخاذ نماید تا نتیجه کارش مطلوب باشد؟**

صرف نظر از مشکلات معلمان و نارسایی‌ها و کاستی‌هایی که از گذشته در اسلوب آموزشی ما وجود داشته و در سال‌های اخیر با تغییراتی به‌عنوان تجربه در برنامه‌های آموزشی به آن‌ها افزوده گشته، به اختصار این مطالب را می‌توانم عرض کنم.

۲- برای آشنایی بیش‌تر با شادروان استاد ابوالقاسم سحاب تفرشی به فرهنگان شماره‌ی ۱۵، صفحات ۱۵۷ تا ۱۶۶ مراجعه فرمایید. «فرهنگان»

معلم باید از معلوماتی بیش‌تر از آن‌چه باید تدریس نماید برخوردار باشد، خصوصاً در رشته‌ی ریاضی، تا بتواند از دیدگاهی مسلط بر موضوع، کار خود را به نحو شایسته انجام دهد.



اگر معلم بتواند تدریس را با ذکر مثال‌هایی که برای دانش‌آموزان جذاب باشد هماهنگ نماید تفهیم درس آسان‌تر صورت می‌پذیرد و آنان تلاش صمیمانه‌ی او را کاملاً درک می‌نمایند. اگر عشق و علاقه‌ی معلم نسبت به حرفه‌اش مداومت داشته باشد، در خود احساس مسئولیت خواهد نمود.

چنین معلمی به صورت مرتب نتیجه‌ی کار خود را ارزشیابی می‌کند. به این معنی که با آزمون‌های شفاهی و کتبی میزان معلومات هر یک از دانش‌آموزان را با دقت کافی مشخص می‌نماید و در می‌یابد اگر کوچک‌ترین غفلتی در ارزیابی داشته باشد موجب بدبینی و سلب اعتماد دانش‌آموزان می‌گردد و نتیجه زحماتش نامطلوب خواهد بود.

بر اساس آنچه که اشاره گردید این ارزش‌یابی علاوه بر آن که موجب شناسایی دانش‌آموزان مستعد می‌شود، دانش‌آموزان کم‌کار را هم وادار می‌نماید که در فراگرفتن درس فعال گردند.

البته انجام چنین ارزش‌یابی‌هایی کار فوق‌العاده‌ای است و تنها از عهده‌ی معلمی برمی‌آید که به‌طور جدی به کار خود اهمیت می‌دهد. چنین معلمی وقت اضافی خود را به مطالعه و کسب معلومات روز می‌گذراند، تا با طرح مسائلی بدیع موجب شکوفایی استعدادها گردد و از طرفی پرسش‌های دانش‌آموز را بی‌پاسخ نگذارد. در پایان این مبحث یادآور می‌شود، رعایت روش‌های تربیتی که در اداره نمودن کلاس مؤثرند، بحث جداگانه را می‌طلبد.

### با چه آثاری از اهل ادب و بزرگان سخنور آشنا هستید؟

می‌دانیم یکی از صفات ذاتی انسان زیبا پسندی است و یکی از زیبایی‌ها وجود مضامین و نکات ظریف و دل‌نشین در کلام اهل سخن و ادب است. در عین حال تشخیص این زیبایی‌ها متناسب با سال‌های عمر آدمی است، زیرا اقتضای طبع در گذران عمر متغیر

است. بنابراین در رهگذر عمر هر گاه فرصتی یافته‌ام از گفتار زیبا و بدیع بزرگان علم و ادب در حد امکان استفاده نموده‌ام و خود نیز مجموعه‌ای از سخنان آن بزرگواران را فراهم آورده‌ام.

به تجربه ثابت شده‌است افرادی که افکارشان در فضای اعداد و ارقام سیر می‌کند اشتیاق بیش‌تری به شنیدنی‌هایی لطیف و دل‌نشین پیدا می‌کنند که حامل پیامی آرام‌بخش هستند، حتی اگر آن پیام و هم‌انگیز و خیالی هم باشد، تا چه رسد به گفته‌های شیرین و حکمت آموز و هدفمند سخنوران بزرگ نام و مردم دوست.

این بزرگان قلم خود را در خدمت به مردم و در اعتلای سطح آگاهی جامعه‌ی خود به کار برده‌اند و کلامشان ادب آموز و منزه از هرگونه هزل و هجو است. آنان خود دارای فضائل اخلاقی بوده و به مردم نیز درس فضیلت آموخته و هرگز مداحی نکرده‌اند و در زمینه‌ی شعر و شاعری به اصطلاح امروز بساز و بفروش نبوده‌اند.

نام و گفتار چنین بزرگانی در صحیفه‌ی روزگار ثبت گردیده و برای مردم هر زمان پیامی سازنده و امیدبخش دارد. در تاریخ ادبیات ما نام چنین بزرگانی زیاد به چشم می‌خورد.

**آیا به مطالعات تاریخی علاقه دارید و تا چه حد آن را مفید می‌دانید؟**

از مطالعه‌ی تاریخ و آگاهی یافتن از سرنوشت مردان در ادوار گذشته و حوادثی که در زندگی آن‌ها روی داده به این نتیجه می‌رسیم که تاریخ هم دانشی است که طی قرون و اعصار تکامل یافته و خود نیز عامل پیدایش و توسعه‌ی علوم دیگر را بوده‌است.



بنابراین اگر بخواهیم از آن چه که در یک دوره بر مردم گذشته آگاهی بیابیم، لازم است از تحولات و حوادث دوره‌ی قبل از آن اطلاع داشته باشیم. دلیل این هم روشن است، چون اغلب رویدادها در یک دوره، ریشه در دوره‌ی قبل خود دارد. به عنوان مثال اگر علل سقوط یک سلسله‌ی پادشاهی را شناختیم آن گاه بهتر می‌توانیم وقایع دوره‌ی بعد آنرا درک کنیم و این ارتباط تا آغاز ثبت تاریخ به صورت مکتوب ادامه دارد.

با قبول این اصل بدیهی که در تمام رشته‌های علوم صادق است، متوجه می‌شویم اگر مطالعه‌ی تاریخ هدفمند نباشد و با دقت لازم صورت نگیرد نتیجه‌ای جز سردرگمی در بر نخواهد داشت. البته این واقعیت باید از جهت دیگر هم رعایت گردد. چون اگر ثبت وقایع و تحولات در یک کتاب تاریخ بر حسب زمان وقوع تنظیم نشده باشد،



درک مطالب آن مختل خواهد بود. بنابراین معلوم می‌شود که تاریخ نویسی خود یک هنر است و نقش مورخ در این نوع نویسندگی بسیار اساسی و تأثیر گذار است. از طرف دیگر در اکثر کتاب‌ها بیش‌تر از به ظهور رسیدن سلاطین و جنگ‌ها و مدت سلطنت آن‌ها تعریف شده تا از سرنوشت مردم و یا در شرح وقایع، حقایق و شبهات چنان به هم آمیخته‌اند که تجزیه و تحلیل آن‌ها تنها از عهده‌ی یک تاریخ‌شناس با تجربه بر می‌آید. با توجه به این عرایض به مطالعه‌ی تاریخ تحلیلی رویدادها و تحولات اجتماعی بیش‌تر علاقه دارم.

در این جا نکته‌ای قابل توجه به ذهن می‌رسد و آن مبنای اظهار نظر و استناد مورخین ایرانی به سفرنامه‌های سیاحان خارجی و تحقیقات خاورشناسان و مورخین اروپایی است و این به خوبی می‌رساند زمانی که به دلیل جهل و خودکامگی سلاطین، مردم ما در خواب غفلت بودند آن‌ها با تحقیق و پژوهش توانستند از تاریخ کشور ما و سنن و آداب و فرهنگ مردم آن به آگاهی‌هایی دست یابند که بعدها مورد سوء استفاده استعمار و چپاولگران بیگانه قرار گرفت.

با کسب آن اطلاعات پای آن‌ها به این سرزمین باز شد و در طول سه چهار قرن به کمک دست نشانده‌های داخلی خود و به کار بردن ترفندها از کتب علمی و تاریخی گرفته تا منابع ثروت ملی و آثار باستانی، همه را کشف نمودند و به تاراج بردند. با قبول این واقعیت اسفناک، اهمیت تاریخ در سرنوشت یک ملت به خوبی معلوم می‌گردد.

از جهت دیگر اگرچه تاریخ در بستر زمان جاری است و تکرار نمی‌شود، اما چون مسبب اغلب حوادث تلخ، در تاریخ همه‌ی کشورها فرمانروایان غافل و مغرور بوده‌اند و احتمال حضور آن‌ها تا آخر زمان هم وجود خواهد داشت، بنابراین این‌گونه حوادث تکرار گردیده است و خواهد شد این هم یکی دیگر از فوائد اطلاع از تاریخ است.

### چه پیامی برای جوانان نهاوندی دارید؟

با شناختی که در طول خدمت خود در آموزش و پرورش نهاوند، از دانش آموزان آن منطقه دارم با اطمینان عرض می‌کنم که بیش‌تر آنان از هوش و استعداد شایسته‌ای برخوردارند و گاهی بعضی را می‌توان در ردیف تیزهوشان کشور به حساب آورد. دلیل این اظهار نظر تعداد قبولی همه ساله‌ی آن‌ها در کنکور دانشگاه‌ها و گاهی در رتبه‌های یک رقمی است. به خاطر دارم که در یک سال همه دانش آموزان رشته‌ی



مراسم اهدای لوح تقدیر مؤسسه از سوی استاد به سخنران جلسه

(سرکار خانم دکتر فاطمه متین - خواهرزاده‌ی ایشان) در جشنواره‌ی غذاهای محلی (ترخینه) بهار ۸۲

ریاضی از یک کلاس در آزمون سراسری پذیرفته شدند. چنین موفقیت‌هایی در زمانی حاصل می‌شد که امکانات آموزشی مناسب در آن شهر وجود نداشت و سرمایه‌ی علمی آن‌ها به آن‌چه از کتاب‌ها و کلاس درس با جدیت و پشتکار فرا می‌گرفتند منحصر می‌شد. هم‌اکنون جمعی از آنان در مقامات بالای علمی و تخصصی در داخل یا خارج از کشور اشتغال دارند. اما این زمان، دانش‌آموزان علاوه بر آن‌چه از کتب درسی و منابع دیگر می‌توانند دریافت نمایند استفاده از وسایل پیشرفته‌ی ارتباطی و خبری است که برای آن‌ها این امکان را فراهم نموده تا از پیشرفت‌های علمی و فنی زمان خود و آن‌چه در آن روی می‌دهد آگاهی یابند. بنابراین بر خود لازم میدانند تا حد ممکن بدون کم‌ترین غفلت یا تشتت فکری از فرصت برگشت ناپذیری که امروز به آن‌ها داده شده با عزمی استوار در آموختن علم و هنری نافع و کارآمد تلاش و کوشش نمایند تا به یاری خداوند با احراز خواسته‌ی خود شایستگی ارائه‌ی خدمتی را داشته باشند.

آن‌چه در پایان این گفت‌وگو از نظر تان می‌گذرد - همان‌طور که اشاره شد - مقاله‌ای پژوهشی است که در عین اختصار، اطلاع و دقت نظر استاد را در حوزه‌ی هیئت و نجوم نشان می‌دهد. با آرزوی توفیق برای ایشان.

### روز شمار صدسال خورشیدی در ایران

چهل سال پیش جناب آقای محمدعلی شیخان، دبیر معروف ریاضی، مسئله‌ای در خصوص هر روز تاریخ دار از سال‌های ۴۲ تا ۴۴ را مطرح کرده و رمز درستی آنرا خواسته بود. این جانب، با درک موضوع و پیگیری در تحقق آن برای سال‌هایی قبل و بعد از آن زمان، به این نتیجه رسیدم که می‌توان تقویمی با ملاحظات دقیق برای زمانی طولانی نیز تنظیم نمود.

سال گذشته ضمن مرور یادداشت‌های آن سال‌ها که هیئت و نجوم را در رشته‌ی ریاضی تدریس می‌کردم به این موضوع برخورددم و مناسب دانستم «روز شماری برای صدسال» تنظیم نمایم. این کار با بررسی و محاسبه‌های لازم انجام شد و خلاصه‌ی اعمال در جدولی که ملاحظه می‌شود تدوین گردید.

\*\*\*

«روز شمار صدسال خورشیدی در ایران»

تال جامع علوم انسانی

		روز																					
		۶	۵	۴	۳	۲	۱	۰	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰				
روز	ماه	[Blank space for month and day]																					
۴	۲	۱	۵	۶	۳	۰	۱۴۰۰	-	-	۹۵	۸۶	۷۸	۷۲	۶۱	۵۵	۵۰	۴۴	۳۸	۳۲	۲۷	۲۱	۱۶	۱۰
۵	۳	۲	۶	۰	۴	۱	-	۹۰	-	۸۴	۷۹	۷۳	۶۷	۵۶	۵۱	۴۶	۴۰	۳۴	۲۹	۲۳	۱۷	۱۱	۵
۶	۴	۳	۰	۱	۵	۲	-	۹۶	-	۹۱	۸۵	۷۴	۶۸	۵۷	۵۲	۴۶	۴۰	۳۴	۲۹	۲۳	۱۷	۱۱	۵
۰	۵	۴	۱	۲	۶	۳	-	۹۷	۸۶	۸۰	۷۵	۶۹	۶۳	۵۸	۵۲	۴۶	۴۰	۳۴	۲۹	۲۳	۱۷	۱۱	۵
۱	۶	۵	۲	۳	۰	۴	-	۹۸	۹۲	۸۷	۸۱	۷۰	۶۴	۵۳	۴۷	۴۲	۳۶	۳۰	۲۵	۱۹	۱۳	۷	۱
۲	۰	۶	۳	۴	۱	۵	-	۹۹	-	۹۳	۸۲	۷۶	۶۵	۵۹	۵۴	۴۸	۴۲	۳۶	۳۰	۲۵	۱۹	۱۳	۷
۳	۱	۰	۴	۵	۲	۶	-	۹۴	-	۸۸	۸۳	۷۷	۷۱	۶۰	۵۴	۴۹	۴۳	۳۷	۳۱	۲۶	۲۰	۱۴	۸

این جدول در حقیقت روز شمار یک‌صدسال خورشیدی است، از آغاز سال ۱۳۰۱ تا پایان ۱۴۰۰ (در جدول به جای ۱۳۰۱ و ۱۳۰۲ و ... اعداد ۱ و ۲ و ... نوشته شده) و در آن، نکات قابل ملاحظه‌ای به شرح زیر وجود دارد<sup>۱</sup>:

۱ - چون تعداد ماه‌های یک سال ۱۲ و شماره روزهای یک هفته ۷ است. پس الزاماً ماه‌هایی از هر سال دارای تقویم مشترک هستند که عبارت‌اند از (فروردین و اسفند) و (اردیبهشت و دی) و ... هر زوج آن‌ها که در یک ستون نوشته شده با روزی هم نام آغاز می‌گردند.

۲ - سال‌های این دوره به هفت گروه تقسیم شده، هر گروه که در یک سطر ثبت شده نیز با روزی هم نام که اول فروردین هر یک از سال‌های آن گروه است شروع می‌شوند.

۳ - در این صدسال بیست و چهار سال کیسه وجود دارد. بین آن‌ها سه کیسه به فاصله‌های ۳۳ سال قابل توجه هستند. دوتای آن‌ها در نیمه‌ی اول این قرن و سومی در نیمه‌ی دوم آن واقع شده‌اند.

اکنون با طرح چند سؤال روش استفاده از جدول و اهمیت آن را درک می‌کنیم:

الف - شخصی متولد روز ۳۸/۲/۳۰ است و می‌خواهد نام آن روز را بداند. در جدول، محل تلاقی سطر سال ۳۸ و ستون ماه اردیبهشت را پیدا می‌کنیم. می‌بینیم در آن عدد ۳ ثبت شده است. این عدد را با شماره‌ی روز داده شده (یعنی همان روز ۳۰ اردیبهشت) جمع و حاصل را بر عدد هفت تقسیم می‌کنیم، عدد باقی‌مانده ۵ می‌شود.

$$\text{باقی‌مانده } ۵ + ۷ \times ۴ = ۳۳, \quad ۳۳ + ۳۰ = ۶۳$$

۱ - بنا بر پیش‌نهاد مؤلف محترم، به سه نفر از کسانی که راز تنظیم این جدول و سال‌های کیسه - مخصوصاً سه کیسه‌ی استثنایی آن - را به درستی تشخیص دهند و برای فصل‌نامه ارسال دارند یک دوره‌ی یک‌ساله‌ی فرهنگیان (چهار شماره‌ی اخیر فصل‌نامه) اهدا می‌گردد. «فرهنگیان»

این عدد در جدول روزهای هفته نظیر پنجشنبه است. یعنی تولد آن شخص در روز پنجشنبه  $۳۸/۲/۳۰$  بوده.

ب - سیزدهم نوروز سال ۱۳۹۰ چه روز خواهد بود؟ مانند سؤال الف، عدد فروردین در سال ۹۰ را می‌یابیم می‌بینیم، این عدد یک است و باقی مانده تقسیم صفر و نظیر شنبه است. یعنی  $۱۳/۱/۱۳۹۰$  روز شنبه خواهد بود.

باقی مانده  $۱ + ۱۳ = ۱۴$ ،  $۱۴ = ۷ \times ۲ + ۰$

ج - نام روز اول خرداد سال ۸۰ چه بوده است؟ طبق دستورالعمل در سال ۸۰ عدد خرداد

۲ است  $۲ + ۱ = ۳$   $۳ = ۷ \times ۰ + ۳$

یعنی باقی مانده تقسیم همان عدد ۳ و نظیر سه شنبه است پس  $۸۰/۳/۱$  سه شنبه بوده است.



صحنه‌ای از حضور و همکاری آقای آذری در فعالیتهای فرهنگی مؤسسه